

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵) تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" می‌توانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریع‌تر آورده شده است. خوشحال می‌شویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰ ، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

*- صوت ۱۳۳ ثمره البحث فی اجتماع الأمر و النهی

*- اگر ما قائل به امتناع اجتماع بشویم مسأله وارد تعارض می‌شود.

*- اما اگر قائل به جواز بشویم در اینحالت که قائل به جواز شویم از دو حالت خارج نیست یا مندوحه داریم یا مندوحه نداریم. اگر مندوحه نباشد در باب تراحم وارد می‌شود. اگر مندوحه باشد: که دیگر تراحم هم نیست.

*- نکته: فرق تعارض با تراحم است که در تعارض دلیل دیگر از حجیت ساقط است ولی در تراحم دلیل دیگر از حجیت ساقط نیست بلکه از فعلیت ساقط می‌شود.

*- اینکه ما قائل به جواز بشویم بر یکی از دو مبنا ممکن است. یا بگوییم تعدد عنوان یوجب تعدد معنون؛ یا می‌گوییم تعدد لا یوجب تعدد معنون الاّ آنه که حکم در همان عنوان باقی می‌ماند و این وجوب و این حرمت به اون فعل خارجی تسری پیدا نکرده است. مرحوم مظفر می‌گوید اصلاً محال است حکم تسری پیدا کند.

*- ۲۹۵/۷ وأما صحه امثال الواجب بالفعل المشتمل: ثمره دیگر ناظر به صحت العمل است یعنی صحت امثال فعلی که مشتمل بر حرام است. بالاخره صلاتی که می‌خواهیم اتیان کنیم این مشتمل بر غضب است آیا این صحیح است یا صحیح نیست؟ در اینجا اگر قائل به امتناع بشویم یک جوری می‌شود و اگر قائل به امتناع نباشیم.

*- ۲۹۶/۱ سواء كان واجباً توصلیاً أو عبادياً: در اجزاء داشتیم که غیر واجب نمیتواند مجزی از واجب باشد. همین که نهی آمد اون وجوب را کنار می‌زنند چون باب تعارض است و این صلاه دیگر وجوبی ندارد و حالا که وجوب ندارد دیگر عمل غیرواجبی است. دلیل واجب همینطور زنگ می‌زنند که ما خود واجب را انجام بدهیم و به غیر واجب راضی نمی‌شود. البته این فرق است با حالتی که طرف را به زور بردند.

* - ۲/۲۹۶ وَاِذَا بَنِيَ عَلَى عَدَمِ التَّعَارُضِ فَيَنْبَغِي التَّفْصِيلُ بَيْنَ أَنْ يَكُونَ الْوَاجِبُ تَوْصِيلاً أَوْ عِبَادِيّاً: اگر ما قائل به امتناعی نشدیم، در اینحالت دو دلیل سرجی خودشان ایستادند در این حالت باید بین واجب تعبّدی و توصّلی باید تفکیک کنیم.

اگر این واجب، واجب توصّلی بود اشکالی ندارد و مجزی است به نحو مطلق و مطلق یعنی چه شما مندوحه داشته باشید چه مندوحه نداشته باشید. مهم بوده است که لباس آب کشیده شود چه با نیت شسته باشید چه خودش در رودخانه افتاده باشد. در واجب توصّلی قصد قربت نیست.

ولی اگر واجب تعبّدی بود و قصد قربت مهم بود:

حالت اول: اونهایی که به قائل به جواز اجتماع هستند بر دو مبنا قائل اند: یا بگوییم تعدد عنوان یوجب یا یکشف تعدد معنوی؛ یا میگوییم تعدد لایوجب تعدد معنوی الاّ آنکه حکم در همان عنوان باقی می ماند و این وجوب و این حرمت به اون فعل خارجی تسری پیدا نکرده است.

میگویید این نماز در دار مغضوبه دو عنوان دارد یکی عنوان صلاه و یکی عنوان غضب و در حقیقت دو کار است. مثل اجتماع موردی مثل النظر الی الاجنبیه فی اثناء الصلاه مثل اینکه با یک دست صدقه بدهید و با یک دست یتیم آزاری کنید. این میگویند اجتماع موردی و اجتماع حقیقی نیست یعنی فعلین وقع فی زمان واحد.

یک بحث این شد و یک بحث این بود که ما قائل نشویم به تعدد عنوان یوجب یا یکشف تعدد معنوی، بلکه بگوییم تعدد لایوجب تعدد معنوی الاّ آنکه حکم در همان عنوان باقی می ماند و این وجوب و این حرمت به اون فعل خارجی تسری پیدا نکرده است.

اشکالی هم که در اینجا هست اینکه، درست است عنوان به معنوی تسری پیدا نمیکند ولی شما میخواهید بوسیله این عمل خارجی تقرب به خدا پیدا کنید و این عمل خارجی مصادیقی از مصادیق حرام است و چطور میخواهید با این مصادیق حرام به خداوند تقرّب پیدا بکنید.